



در آمد

زندگی ساده ...

■ شهید اشرفی از نگاه مرحوم آیت‌الله سیدروح‌الله خاتمی

مرحوم آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی که بعد از شهادت شهید محراب آیت‌الله صدوقی، به امامت جمعه یزد منصوب شد، از چهارمین شهید محراب‌گفتنی‌هایی داشته که در همان نخستین سالگرد شهادت شهید به این صورت بیان کرده است:

مردم ایران شاهد بودند که ایشان در راه انقلاب واقعاً زحمت کشیدند، مردم را رهبری کردند به جبهه‌ها رفتند و کمال سعی و کوشش و تلاش در پیش‌برد انقلاب را داشتند و بالاتر از همه فضایل ایشان این که تا آخر، زندگی‌شان با زندگی طلبگی خیلی ساده هیچ تفاوتی نکرده بود. در باختران یک خانه مختصری داشتند که حتی جایی برای مردم که مراجعه می‌کردند نداشتند و با کمال فضیلت و تقوی و زهد زندگی می‌کردند. از اول شروع تحصیل‌شان تا آخر، عمر پربرکت خود را در راه اسلام صرف کردند و بحمدالله تعالی آخرش هم به لقاءالله پیوستند و نتیجه زحمات‌شان همان شهادتی بود که برای ایشان حادث شد که بالاترین مقام در نزد حضرت پروردگار است و خوب، هر شهادتی به‌خصوص شهادت برای کسی که از اول عمرش تا آخر در راه خدا قلم بزند و بعد هم شهید شود، این بالاترین سعادت است

با درود به امام امت و سلام بر امید امام و امت و همه شهدای اسلام، سعادت نصیب‌مان شد و به خدمت حضرت آیت‌الله خاتمی، نماینده محترم امام و امام جمعه یزد، رسیدیم. از ایشان تقاضا داریم که درباره خصوصیات روحی و اخلاقی و مقداری هم درباره زندگی چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی، هم‌رزم و هم‌سنگر خودشان، برای ما بگویند که ان‌شاءالله زینت‌بخش یادواره قرار بگیرد.

بسم‌الله الرحمن الرحیم
من، همان‌طوری که قبلاً عرض کردم، اطلاعات خاصی از زندگی خصوصی حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی - رضوان‌الله تعالی علیه - ندارم. من برای این‌که سابقه آشنایی نزدیک با ایشان نداشته‌ام، فقط یک‌دفعه ایشان را ملاقات کردم، آن هم در یک مجلس عمومی که خیلی مجال صحبت خصوصی نشد، ولی اجمالاً، همان‌طوری که همه مجله‌ها، روزنامه‌ها، تلویزیون خصوصاً قبل و بعد از شهادت‌شان گفتند و بالاتر از همه فرمایش امام درباره ایشان بود که هم قبل از ایشان تمجید می‌کردند و هم بعد از شهادت‌شان. و من هم شنیده‌ام درباره ایشان بسیار است. ایشان شخص جلیل‌القدری بودند، ایشان هم عالم بودند، اهل تقوی بودند و همیشه در راه اسلام قلم می‌زدند، رنج برداند و مدت‌هایی که در قم مدرس بودند و با سن بالا، با زندگی طلبگی، با دو تا از آفازده‌های‌شان هم‌حجره بودند. مثل طلبه عادی زندگی می‌کردند؛ درحالی‌که همان روز مدرس بودند. بعد هم به امر حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی - رضوان‌الله علیه - ایشان با جمعی دیگر از فضلا مأمور شدند که به باختران بروند و حوزه علمیه تشکیل بدهند و تشریف بردند به آن‌جا و با همکاری آن آقایان دیگر که در این اواخر هیچ‌کدام از آن‌ها دیگر نبودند - بعضی‌ها مرحوم شدند و بعضی‌ها هم نماندند و برگشتند - تنها کسی که استقامت و مقاومت کرد، حضرت آیت‌الله اشرفی اصفهانی بود، مدرسه‌ای در آن‌جا تأسیس کردند، طلابی را تربیت کردند، اخیراً هم که در امور انقلاب همه‌مان شاهد بودیم، شما شاهد بودید، دیگران، همه

پیام به ملت ایران آن هم پیامی است که دائماً مکرر شده است و همه شخصیت‌ها و در رأس همه امام امت این پیام را مکرر داده‌اند. من هم اگر پیامی بدهم، تکرار همان پیام‌هایی است که دیگران، بزرگان و مخصوصاً امام دادند و این‌که، در این مرحله از انقلاب، در درجه اول باید سعی کنیم نسبت به این جنگ که بالاخره آن را به یک جایی برسانیم. برای این‌که همه بلاهایی که هم‌اکنون متوجه ماها است، گرفتاری‌هایی که برای پیشرفت انقلاب اسلامی است عمده‌اش ناشی از همین جنگ است و در این جنگ، باید در درجه اول ملت همت کنند؛ هم در پشت جبهه و هم در داخل جبهه. رفتن جوان‌ها به جبهه و سعی و کوشش در پیش‌برد این جنگ و معدوم کردن صدام و از بین بردن این آنتریک‌ها و توطئه‌هایی که درباره ما می‌شود، بلکه ما راه‌مان صاف شود و انقلاب‌مان را به پیش ببریم. یکی هم همان مسأله کاخ‌نشینی و کوخ‌نشینی، آن هم یکی از مسائل است که بسیار مورد توجه است و مهم‌ترین کار سازندگی انقلاب اسلامی در این است که باید طبقه محروم به این صورتی که هست نباشد و باید دولت و ملت فکری بکنند، هماهنگی بکنند و در چارچوب احکام اسلامی و شریعت اسلام، یک کاری بکنند که این اختلافات سطح زندگی، که یکی محروم باشد و هیچ چیزی نداشته باشد، خانه نداشته باشد، نان نداشته باشد، لباس نداشته باشد، اما در مقابل، یک عده‌ای هم در کمال آسایش، ثروت‌ها را انبوه کنند. این وضعیت برای اسلام قابل تحمل نیست، و اگر ما انقلاب‌مان اسلامی است و باید احکام اسلام پیاده شود. مهم‌ترین لازمه‌اش این است که باید فکری بکنیم که دیگر محروم به این صورت در این مملکت نباشد، ان‌شاءالله تعالی. ■

و السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته
منبع: کتاب «عروج به ملکوت در مهر خون»

واقعاً یکی از ضایعات بزرگی که برای انقلاب اسلامی ما حاصل شد همین شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی بود، ولی در عین حال که شهادت ایشان، به اعتباری ضایعه‌ای بزرگ برای اسلام بود، ولی به اعتباری شهادت ایشان در قوت اسلام و پیشرفت انقلاب هم مؤثر بود.

است که برای بشر تصور می‌شود و بحمدالله هم به این سعادت رسیدند. خدا ان‌شاءالله درجات‌شان را عالی کند و گرچه این خلاءها هیچ‌وقت پر نمی‌شود، ولی امیدوارم که ان‌شاءالله باز هم کسانی باشند که راه ایشان را بیمایند و انجام وظیفه کنند. واقعاً یکی از ضایعات بزرگی که برای انقلاب اسلامی ما حاصل شد همین شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی بود، ولی در عین حال که شهادت ایشان، به اعتباری ضایعه‌ای بزرگ برای اسلام بود، ولی به اعتباری شهادت ایشان در قوت